



گفت‌وگو
با داریوش
فرضیایی «عمو
پورنگ»

هنوز خودم را بازیگر نمی‌دانم

فرضیایی‌ای خواهم بود که با وجود گذشت زمان، کودک درونش را حفظ کرده است. در عین حال، انسان باید گذر زمان را بپذیرد. پذیرش آسان نیست، اما وقتی واقعیت را باور کنیم، بهتر می‌توانیم با آن کنار بیاییم. او در پاسخ به سوالی درباره مهم‌ترین مفهومی که «اکسیر» می‌خواهد به خانواده‌ها منتقل کند، اظهار کرد: دو مفهوم اصلی سریال، «زمان» و «جوانی» است. در این مجموعه تلاش کرده‌ایم اهمیت زمان را برای کودکان و نوجوانان مطرح کنیم؛ اینکه زمان خود را بیهوده از دست ندهند و تمام روزشان صرف فضای مجازی یا سرگرمی‌هایی نشود که بعداً بابت آنها حسرت بخورند. در کنار آن، درباره جوانی حرف می‌زنیم؛ اینکه انسان وقتی به سال‌های بعدی زندگی می‌رسد، با خود نگوید ای کاش در جوانی فلان کار را انجام داده بودم یا از فرصتی که داشتم بهتر استفاده می‌کردم. در یکی از صحنه‌های موردعلاقه‌ام، پیروز به این مضمون اشاره می‌کند که فقط کالبدش جوان شده، اما روحش همچنان پیر است. این جمله حرف دل بسیاری از آدم‌هاست.

فرضیایی به این پرسش که اگر پیروز و عموپورنگ روبه‌روی یکدیگر قرار بگیرند، درباره چه چیزی صحبت خواهند کرد؟ چنین پاسخ داد: فکر می‌کنم این دو نفر با یکدیگر بسیار سازگار باشند. پیروز جوانی خوبی داشته و حسرت گذشته را نمی‌خورد. داریوش فرضیایی نیز تلاش کرده کارهایی انجام دهد که در سال‌های آینده بابت انجام ندادن آنها حسرت نخورد. نقطه مشترک پیروز و عموپورنگ، همین نوع نگاه به زندگی و استفاده از فرصت‌هاست. او در پاسخ به اینکه «اکسیر» اثری برای کودکان است یا مخاطب خانوادگی را هدف قرار داده است؟ بیان کرد: از ابتدای شکل‌گیری عموپورنگ، هدف من فقط سرگرم کردن کودک نبود. دوست داشتم پدر و مادر نیز کنار کودک بنشینند، برنامه را ببینند و درباره رفتارها، علایق و حتی شیطنت‌های فرزندشان کنجکاو شوند. به همین دلیل همیشه بر ترکیب «کودک و خانواده» تأکید داشته‌ام، نه برنامه‌ای که صرفاً برای کودک ساخته شود. نمایش‌ها و برنامه‌های زنده ما نیز فقط قالب کودک نداشته‌اند؛ خانواده را در کنار کودک قرار می‌دادند. «اکسیر» هم همین مسیر را دنبال می‌کند. تلویزیون باید آثاری بسازد که اعضای خانواده بتوانند کنار یکدیگر بنشینند و فارغ از تفاوت‌ها، از تماشای آن لذت ببرند.

در ردیف بالا نشسته است. وقتی با چنین موقعیتی روبه‌رو می‌شوید، دیگر احساس نمی‌کنید میان چند بازیگر قرار گرفته‌اید؛ احساس می‌کنید میان فرزندان خودتان هستید. همین پیشینه به من کمک کرد تا رابطه پیروز با فرزندانش را واقعی‌تر درک کنم.

مه‌لقا باقری نیز با توجه به تجربه جدی‌اش در تئاتر و سینما، در شکل‌گیری رابطه میان پیروز و همسرش بسیار به من کمک کرد.

فرضیایی درباره گریم متفاوت کاراکتر پیروز گفت: گریم بسیار کمک‌کننده بود. دیدن آن چهره تازه باعث شد سن، حالت و موقعیت پیروز را بهتر درک کنم و در پیدا کردن رفتار، حرکات و زبان بدن شخصیت مؤثر بود. او خاطرنشان کرد: من حقیقتاً هنوز خودم را بازیگر نمی‌دانم؛ خودم را مجری‌ای می‌دانم که این بار در موقعیتی نمایشی قرار گرفته است. در «اکسیر» هم تا حد زیادی خود داریوش فرضیایی را در قالب سنی متفاوت بازی کردم؛ یعنی شخصیتی که ریشه‌هایش برابیم آشناست، اما تجربه و ظاهر متفاوتی دارد.

فرضیایی اذعان کرد: من نمی‌توانم جلوی دوربین تظاهر کنم. اگر بخواهم چیزی را بازی کنم که به آن باور ندارم، مخاطب خیلی زود متوجه می‌شود. شاید دلیل ارتباطی که طی این سال‌ها با مردم شکل گرفته، همین واقعی بودن باشد. نمی‌گویم انسان کاملی هستم؛ هیچ‌کس بدون نقص نیست، اما دست‌کم می‌توانم بگویم بخش عمده آنچه مخاطب از من دیده، خود واقعی من بوده است.

وی ادامه داد: من همیشه آدم بشاش و پرانرژی‌ای بوده‌ام، اما این به آن معنا نیست که انسان‌های شاد غم ندارند یا همیشه زندگی برایشان گل‌وبلبل است. آدم‌های پرانرژی نیز گاهی غمگین و جدی می‌شوند و زندگی آنها را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌کند. عموپورنگ نیز مانند هر انسان دیگری، دوره‌ای از رشد و تکامل را طی می‌کند.

او خاطر نشان کرد: من هیچ‌گاه ادای بچه‌ها را در نیآورده‌ام؛ با زبان بچه‌ها و در دنیای آنها زندگی کرده‌ام. اگر پس از «اکسیر» دوباره اثری برای کودکان بسازم، باز هم قرار نیست تظاهر کنم. آنجانی که داریوش

داریوش فرضیایی برای چند نسل از مخاطبان تلویزیون با نام و تصویر «عموپورنگ» شناخته می‌شود؛ شخصیتی که طی بیش از دو دهه، بخشی از خاطرات کودکان و خانواده‌های ایرانی را ساخته است. او این بار در مجموعه تلویزیونی «اکسیر» به کارگردانی احمد درویشعلی‌پور، در قالب شخصیتی داستانی به نام «پیروز» مقابل دوربین رفته است؛ عطرسازی سنتی که اتفاقی غیرمنتظره، زندگی او و خانواده‌اش را با تحولاتی تازه روبه‌رو می‌کند.

فرضیایی از نسبت میان پیروز و عموپورنگ، دشواری عبور از تصویری که طی ۲۵ سال در ذهن مخاطبان شکل گرفته، تجربه بازی در کنار نسل تازه، مضمون زمان و جوانی و همکاری با گروه سازنده «اکسیر» سخن گفته است. آنچه می‌خوانید مشروح این گفت‌وگو است.

فرضیایی در پاسخ به پرسش ابتدایی مبنی بر اینکه «چه ویژگی‌ای در شخصیت «پیروز» وجود داشت که احساس کردید می‌تواند تصویر تازه‌ای از داریوش فرضیایی ارائه کند؟» گفت: به نظر من پیروز، همان عموپورنگی است که سال‌خورده شده است. عموپورنگ طی این سال‌ها تجربه حضور در کنار کودکان، جوانان و خانواده‌ها را به دست آورده و پیروز فرصتی بود تا مجموعه‌ای از این تجربه‌ها در قالب یک شخصیت داستانی عرضه شود. او شخصیتی است که بار سال‌ها تجربه را با خود به دوش می‌کشد و حالا این تجربه در قاب یک مجموعه نمایشی دیده می‌شود.

وی ادامه داد: در این مسیر، نقش کارگردان بسیار مهم بود. ممکن است بازیگر استعداد و ظرفیت لازم را داشته باشد، اما این کارگردان است که باید او را هدایت کند و آن ظرفیت را به شکل درست مقابل دوربین بیاورد. احمد درویشعلی‌پور در رسیدن من به شخصیت پیروز بسیار کمک کرد. خودم نیز تلاش کردم موقعیت و واقعیت این شخصیت را باور کنم؛ چون وقتی بازیگر به باور برسد، بخش مهمی از مسیر را طی کرده است.

این مجری با سابقه برنامه‌های کودک در پاسخ به اینکه رابطه پدرانه پیروز با فرزندانش چگونه برایش باور پذیر شد؟ اذعان کرد: حسی که نسبت به بچه‌های حاضر در مجموعه داشتم، واقعاً پدرانه بود. برخی از آنها از کودکی با برنامه‌های من بزرگ شده‌اند. ترم کرمانیان پیش از این چند بار در برنامه‌های من حضور پیدا کرده بود. آریین محمودی نیز بعدها تصویری به من نشان داد و گفت یکی از کودکانی بوده که در برنامه «کتابخانه عموپورنگ»

ایسنا



هم اکنون در
سینماهای
سراسر کشور

MID-NIGHT

کارگردان
محمد حسین مهدویان
تهیه‌کننده
حبیب‌الله والی‌نژاد